

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

اقراء وربك الاكرم،

الذي علم بالقلم

علم الانسان ما لم يعلم

شماره ۵۱ / ۱۳۸۱



وزارت علوم، تحقیقات و فن‌آوری
دانشگاه قم

وزارت علوم تحقیقات و فن‌آوری
دانشگاه قم
دانشکده علوم انسانی

گروه: فقه و مبانی حقوق اسلامی
پایان نامه تحصیلی
جهت دریافت درجه کارشناسی ارشد

موضوع:

«مفهوم ارتداد و آثار حقوقی آن»

استاد راهنما:

حجة الاسلام والمسلمین دکتر عبدالله امیدی فرد

استاد مشاور:

حجة الاسلام والمسلمین سید یوسف علوی

نگارنده:

«حسین علی صدیق»

۱۳۸۵ / ۲ / ۲۰

شماره: ۱۲۷۵/ت

تاریخ: ۱۰/۱۰/۸۰

پیوست: _____



جمهوری اسلامی ایران
وزارت علوم، تحقیقات و فناوری
دانشگاه قم

دانشگاه قم

صور تجلسه دفاع

با تأییدات خداوند متعال و با استعانت از حضرت ولی عصر (عج) جلسه دفاع از پایان نامه

کارشناسی ارشد:

آقای سینلی صدیق در رشته: فقه و مبانی حقوق اسلامی
تحت عنوان: مفهوم ابتداء و آثار حقوقی آن

با حضور استاد راهنما و هیأت داوران در محل دانشگاه قم در تاریخ: ۱۰/۱۰/۸۰ تشکیل
و با موفقیت دفاع گردید.

نمره با عدد: ۱۰۹ با امتیاز: عالی بسیار خوب خوب قابل قبول غیر قابل قبول

نمره با حروف: نور، سماج دریافت نمود.

۱- استاد راهنما: دکتر عبدالامیدی

۲- استاد مشاور: حجت الاسلام والمسلمین سید یوسف علوی وثوقی

۳- اساتید ناظر: حجت الاسلام والمسلمین محمدجواد حمیدی خراسانی

۴- تحصیلات تکمیلی: دکتر سیدرضا مؤدب

«مفهوم ارتداد و آثار حقوقی آن»

نگارنده: حسین علی صدیق

تقدیم

در این فرخنده ایام میمون و خجسته ماه مبارک رجب و بعثت نبی گرامی اسلام حضرت محمد مصطفی ﷺ، این بضاعت اندک را به پیشگاه ملکوتی و مقدس مشعل داران و هادیان جامعه بشریت، چهارده معصوم علیهم السلام، خاصه بقیه الله الاعظم، حضرت حجة بن الحسن العسکری، روحی وارواح العالمین له الفداء، تقدیم می دارم که با تکیه به کعبه توحید، وذو الفقار بران مولای موحدان و پیشوای متقیان علی علیه السلام و شعار مقدس الله اکبر ولاله الا الله، ریشه های نفاق و ظلم، الحاد و ارتداد را بر خواهد کند و بشریت را به سوی شاه راه هدایت و صراط مستقیم الهی رهنمون خواهد شد.

امید است در آستان ملکوتی و قدسشان مقبول واقع شده و ذخیره العقبی این حقیر گردد.

بیست و سوم مهرماه سال یک هزار و سیصد و هشتاد هجری شمسی
مصادف با بیست و هفتم رجب المرجب سال یک هزار و چهار صد بیست و دو
هجری قمری

و بعثت نبی گرامی اسلام ﷺ

احقر العباد: حسینعلی صدیق

تشکر و قدردانی:

الحمد لله الذي هدانا لهذا وما كنا لنهتدي لولا ان هدانا الله

بدین وسیله مراتب قدردانی و سپاس خود را از اساتید بزرگوار آقایان جناب حجة الاسلام والمسلمین دکتر عبدالله امیدی فرد، استاد محترم راهنما، و جناب حجة الاسلام والمسلمین سید یوسف علوی، استاد محترم مشاور، و همه عزیزانی که در طول انجام تحقیق حاضر باگشاده رویی تمام و نهایت خلوص از هیچ گونه مساعدت و راهنمایی های برادرانه و دلسوزانه دریغ نفرمودند و همواره پذیرای ما بودند و در رفع اشکالات تحقیق و زدودن نقاط ابهام آن نهایت کمک و مساعدت را نمودند اعلام می دارم.

هم چنین از والدین و فرزندان عزیز و همسر شکیبایم صمیمانه سپاسگزارم که در طول سال های تحصیل و انجام این تحقیق هر نوع کاستی را در زندگی تحمل کرده و صبورانه ناهمواری های راه تحصیل را بر ما هموار کردند.

از درگاه احدیت برای همه این عزیزان، توفیق روز افزون و سعادت دنیا و عقبی را آرزو مندم.

چکیده

واژه «ارتداد» و «ردّه» نزد تمام لغویون به معنای «رجوع» «بازگشت» است. خواه از دین باشد و خواه غیر آن، تنها راغب اصفهانی، واژه «ردّه» را به معنای «رجوع از دین» در نظر گرفته است. از این رو نسبت «معنای لغوی» این واژه با آنچه در اصطلاح فقهاست، از نسب اربع، عموم و خصوص مطلق است مگر واژه «ردّه» از نظر راغب که رابطه آن تساوی است.

ارتداد در تعالیم اسلامی قرآن کریم و احادیث و سیره معصومین علیهم السلام صرف بازگشت از دین و تغییر عقیده نیست، بلکه «مرتد» کسی است که پس از تبیین حق و حقیقت و گردن نهادن به دین، از روی لجاج و عناد و به قصد ضربه زدن به دین و براندازی نظام به جحد و انکار حق می‌پردازد و از دین الهی روی بر می‌تابد و الوهیت پروردگار متعال و یا رسالت نبی گرامی اسلام و یا یکی از ضروریات دین را منکر می‌شود، بدون آنکه وجود شبهه یا جهل و قصوری در انکار او دخیل باشد.

مشهور فقهاء با استناد به روایات مأثوره و اجماع امامیه معتقدند، اگر ارتداد فطری باشد و شرایط عامه تکلیف (بلوغ، عقل، اختیار و قصد) در فرد، تمام باشد، باید در دم کشته شود و هرگز مستحق مهلت و استتابه نیست. چنین کسی از هر نوع حق تمتع و تصرف در اموال خود و حق استیفاء محروم بوده و در حکم اموات و بهائم است و از همان لحظه ارتداد ترکه او بین ورثه تقسیم می‌شود و همسر او جدا شده و عده و وفات نگه می‌دارد.

ملاک و معیار واقعی در ارتداد بر مبنای این تحقیق، این است که «جزئیت شیء مورد انکار در دین، نزد شخص منکر «معلوم» باشد. در فقه شیعه، ارتداد بر دو نوع «ملی» و «فطری» است.

«مرتد فطری» کسی است که در حین انعقاد نطفه‌اش، لااقل یکی از والدین او مسلمان بوده، و او نیز هنگام بلوغ، اسلام اظهار نموده و سپس مرتد گشته است.

«مرتد ملی» کسی است که والدین او به هنگام انعقاد نطفه‌اش، کافر اصلی بوده و او به هنگام بلوغ، اسلام می‌آورد ولی پس از آن مرتد می‌گردد.

مرتد ملی و زن مرتد از حکم «قتل» و تقسیم اموال بین ورثه در اول لحظه ارتداد، استثناء شده و لازم است حاکم اسلام از آنها استتبابه نماید و در صورت استنکاف مرتد ملی به قتل می‌رسد و دیگر احکام در مورد او به اجرا در می‌آید، ولی زن مرتد در زندان محبوس می‌شود، و همواره در مضیقۀ خوراک و پوشاک قرار داده می‌شود و در هنگام صلوات خمس کتک زده میشود تا توبه کند و آزاد شود و یا در زندان بمیرد. وی از لحظه ارتداد از شوهرش جدا شده و باید عده طلاق نگه دارد.

فهرست مطالب

فصل اول: کلیات «مفهوم ارتداد»	۱
بخش اول: معنای لغوی و اصطلاحی ارتداد	۱
گفتار اول: معنای لغوی ارتداد	۱
گفتار دوم: «ارتداد» و «مرتد» در اصطلاح فقهاء	۳
بخش دوم: مظان بحث ارتداد در منابع فقهی	۶
گفتار اول: مبحث ارتداد در متون فقهی	۶
گفتار دوم: نمونه‌هایی از آیات قرآن کریم در زمینه ارتداد	۷
گفتار سوم: نمونه‌هایی از احادیث معصومین <small>علیهم‌السلام</small> در زمینه ارتداد	۹
بخش سوم: ارتداد در سطر تاریخ	۱۴
گفتار اول:	۱۴
ارتداد در تاریخ قبل از اسلام میان یهود و نصاری به تصریح قرآن کریم	۱۴
گفتار دوم: ارتداد در عهد عتیق (تورات)	۱۵
گفتار سوم	۱۶
ارتداد در میان اعراب جاهلی	۱۶
گفتار چهارم: ارتداد در تاریخ اسلام	۱۸
بخش چهارم: مفهوم «اسلام» و «کفر»	۲۰
گفتار اول: مفهوم «اسلام»	۲۰
گفتار دوم: مفهوم کفر و موجبات آن	۲۷
بخش پنجم: موجبات ارتداد	۲۹
گفتار اول: انکار خدا و رسول <small>صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم</small>	۳۰
گفتار دوم: انکار «ضروری دین»	۳۱
بخش ششم: ضروری دین چیست؟	۳۲
گفتار اول: مفهوم «ضروری دین» و مسئله «انکار» آن	۳۲
گفتار دوم: آیا «ضروری دین» یک عنوان منصوصه شرعی است؟	
یا مصطلح فقهاست؟	۳۳
گفتار سوم: تقسیم احکام شرعی به دو نوع بدیهی و نظری	۳۶
گفتار چهارم: آیا انکار «ضروری دین» سبب مستقل ارتداد است؟	۳۹
الف: قائلین به سببیت استقلالی	۴۲

- ب: پاسخ به ادله قائلین به سببیت مستقله ۴۲
- ج: رفع شبهات و تذکر نکاتی مهم ۴۵
- د- بررسی اجمالی دیگر اخبار مورد تمسک قائلین به سببیت استقلالی ۴۷
- گفتار پنجم: مغایرت «اسلام» و «مسلمان بودن» در ماهیت ۵۰
- گفتار ششم: قائلین به سببیت غیر مستقله ۵۲
- گفتار هفتم: تفصیل در جاهل قاصر و مقصر ۵۳
- خلاصه آنچه که مرحوم سید محسن حکیم در این باره بیان کرده است: ۵۵
- خلاصه آنچه مرحوم خوئی بیان فرموده است: ۵۶
- گفتار هشتم: تفصیل در فروع و اصول دین ۵۶
- گفتار نهم: کفایت «اعتراف و تصدیق اجمالی» ۵۷
- بخش هفتم: ۵۹
- انکار «ضروری مذهب» ۵۹
- گفتار اول: مفهوم «مذهب» و فرق آن با «دین» ۵۹
- گفتار دوم: آیا «تشیع» مذهب است؟ ۶۰
- گفتار سوم: آیا انکار «ضروری مذهب» توسط پیروان مذاهب دیگر موجب ارتداد است؟ ۶۰
- گفتار چهارم: انکار «ضروری مذهب» توسط پیروان آن ۶۱
- بخش هشتم: انکار مجمع علیه: ۶۵
- بخش نهم: آیا سبّ نبی یا امام معصوم سبب مستقلی بر ارتداد است؟ ۶۶
- بخش دهم: آیا شک و تردید در اصول یا ضروریات دین موجب ارتداد است؟ ۶۷
- بخش یازدهم: آیا ارتداد صرف تغییر عقیده است؟ ۷۰
- گفتار اول: بیان نمونه‌هایی از آیات و کاربردها «ارتداد» در آنها ۷۲
- گفتار دوم: کاربرد «ارتداد» در روایات امامیه ۷۷
- یک اشکال ۷۹
- گفتار سوم: کاربرد «ارتداد» در روایات اهل سنت و جماعت ۸۰
- گفتار چهارم: ارتداد در منظر فقهای امامیه ۸۲
- خلاصه آنچه در مورد مفهوم ارتداد بیان شد ۸۳
- فصل دوم: آیا حکم ارتداد از حدود است یا تعزیرات؟** ۸۷
- فصل سوم: اقسام ارتداد** ۹۰
- بخش اول: ارتداد ملی و فطری ۹۰
- گفتار اول: «ملاک در ارتداد فطری» ۹۱



- الف: تبعیت از والدین..... ۹۱
- ب: اظهار اسلام و اقرار به شهادتین هنگام بلوغ..... ۹۴
- فصل چهارم: شرایط ارتداد**..... ۹۹
- گفتار اول: بلوغ..... ۹۹
- گفتار دوم: عقل..... ۱۰۰
- گفتار سوم: اختیار..... ۱۰۰
- یک سؤال: «آیا ادعای اکراه پذیرفته می‌شود»..... ۱۰۱
- گفتار چهارم: قصد..... ۱۰۲
- گفتار پنجم: آیا سکران دارای قصد است؟..... ۱۰۳
- گفتار ششم: آیا ارتداد هازل تحقق می‌یابد؟..... ۱۰۴
- فصل پنجم: طرق اثبات ارتداد**..... ۱۰۷
- گفتار اول: «اقرار»..... ۱۰۷
- گفتار دوم: بینة..... ۱۰۷
- گفتار سوم: صدور قول یا فعل دال بر ارتداد..... ۱۰۹
- علم قاضی..... ۱۱۰
- گفتار چهارم:..... ۱۱۰
- تذکری عبرت انگیز..... ۱۱۰
- فصل ششم: بررسی ارتداد برخی از فرق اسلامی**..... ۱۱۵
- گفتار اول: فرقه غلات و ناصیین..... ۱۱۵
- گفتار دوم: فرقه «مجسمه»..... ۱۱۵
- گفتار سوم:..... ۱۱۷
- فرقه‌های مشبّهه و مجبّره و مفوضه..... ۱۱۷
- نتیجه گیری:..... ۱۱۷
- فصل هفتم: «مجازات مرتد»**..... ۱۲۰
- بخش اول: سه عنصر لازم در تحقق «مجرمانه بودن رفتار»..... ۱۲۰
- بخش دوم: عقوبت در انواع ارتداد..... ۱۲۱
- گفتار اول: الف عقوبت مرتد فطری..... ۱۲۱
- ب: عقوبت مرتد ملی..... ۱۲۲
- گفتار دوم: اختلاف زن و مرد در عقوبت ارتداد..... ۱۲۲
- گفتار سوم: مجازات «قتل» مرتد توسط چه کسی اجراء می‌شود؟..... ۱۲۴
- گفتار چهارم: قتال با اهل الردّة واجب است..... ۱۲۵



- ۱۲۵..... ۴- ۱: رفع یک شبهه
- ۱۲۶..... گفتار پنجم: نوع عقوبت در صورت تکرار ارتداد
- ۱۲۷..... گفتار ششم: ارتداد و مسؤولیت مدنی
- ۱۲۸..... گفتار هفتم: ارتداد و مسؤولیت کیفری
- ۱۲۹..... گفتار هشتم: مرتد فطری در حکم بهائم واموات است
- ۱۳۰..... بخش سوم: مرتد و اهلیت او در تمتع و استیفاء حقوق مدنی
- ۱۳۰..... * الف: مرتد فطری
- ۱۳۱..... ب: مرتد ملی
- ۱۳۲..... بخش چهارم: ارتداد و رابطه آن با ترک تابعیت در حقوق بین المللی خصوصی
- ۱۳۸..... **فصل هشتم «احکام مرتد»**
- ۱۳۸..... بخش اول: حکم اموال مرتد
- ۱۳۸..... گفتار اول: الف: حکم اموال موجود در مرتد فطری
- ۱۳۹..... ب: حکم اموال متجدد در مرتد فطری
- ۱۴۰..... ج - حکم تصرف در اموال در مرتد فطری
- گفتار دوم: حکم اموال موجود و متجدد در مرتد ملی و «زن مرتد» و مسئله
- ۱۴۰..... تصرف حق
- ۱۴۱..... بخش دوم: احکام فرزندان مرتد و مسئله ولایت بر آنها
- ۱۴۱..... * الف: حکم فرزندان مرتد
- ۱۴۳..... * ب: ولایت مرتد نسبت به فرزندان
- ۱۴۳..... بخش سوم: احکام علقه زوجیت موجوده و متجدده در انواع ارتداد
- ۱۴۵..... بخش چهارم: حکم طهارت یا نجاست مرتد
- ۱۴۶..... بخش پنجم: احکام فرائض فائمه در زمان ارتداد
- ۱۵۲..... **فصل نهم: جایگاه توبه در فقه و حقوق اسلامی**
- ۱۵۲..... گفتار اول: نقش توبه در حقوق اسلامی
- ۱۵۳..... گفتار دوم: بررسی آراء فقهاء در قبولی توبه و عدم آن
- ۱۵۵..... گفتار سوم: مراد از «ظاهر» و «باطن» در مسئله پذیرش توبه
- ۱۵۸..... گفتار چهارم: بررسی مسئله «ضرورت استتابه»
- ۱۵۹..... گفتار پنجم: مدت زمان لازم برای وجوب استتابه
- ۱۶۰..... گفتار ششم: توبه مرتد به چه کیفیت است؟
- ۱۶۱..... گفتار هفتم: احکام توبه زن مرتد و مرتد ملی
- ۱۶۳..... فهرست منابع و مأخذ (کتابنامه)





مقدمه:

یکی از امتیازات انسان نسبت به دیگر موجودات، شعور و آگاهی او نسبت به حقایق عالم ماوراء طبیعت است. گرچه قرآن کریم می‌فرماید: «تُسَبِّحُ لَهُ السَّمَاوَاتُ السَّبْعُ وَالْأَرْضُ وَمَنْ فِيهِنَّ وَإِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا يُسَبِّحُ بِحَمْدِهِ وَلَكِنْ لَا تَفْقَهُونَ تَسْبِيحَهُمْ»^۱.

«آسمان‌های هفت گانه و زمین و آنان که در آسمان‌ها و زمین هستند، به تسبیح او (پروردگار) مشغول‌اند و هیچ چیزی نیست مگر آنکه او را تسبیح می‌گوید اما شما تسبیح و تنزیه آن موجودات را نمی‌فهمید».

به نظر می‌رسد تسبیح و تنزیه موجودات عالم (ماسوی انسان) تکوینی بوده و بر اساس علم و اراده و آگاهی نباشد. هنوز هیچ صاحب اندیشه‌ای با دلایل متقن نتوانسته آگاهانه بودن تسبیح و تنزیه این موجودات را به اثبات برساند، کما اینکه آیه فوق به این مطلب اشعار دارد. در این میان تنها انسان است که گوی میدان سبقت را از همگان ربوده و توانسته با کسب کمالات تدریجی و طی منازل ترقی و تعالی، نسبت به عالم غیب و نهان و حقایق هر دو جهان و وجود پروردگار حق و دیگر حقایق ماوراء طبیعت شعور و آگاهی پیدا کند و به دنبال آن، آگاهانه به تسبیح و تنزیه و کُرنش در برابر آفریدگار جهان روی آورد.

در عین حال باید اذعان کرد که انسان به دو گونه خدا را تسبیح می‌گوید: نوع اول تسبیحی است غیر ارادی. (به طوری که خود انسان از آن بی‌خبر است!) این نوع تسبیح و تنزیه توسط تمامی ذرات وجود انسان، هم‌نوا با همه ذرات عالم به طور ناآگاهانه انجام می‌پذیرد. و همان تسبیح تکوینی است.

۱. سوره مبارکه الاسراء / ۴۴.





نوع دیگر تنزیهی است که توسط اعضاء و جوارح متشکله از آن ذرات انجام می پذیرد.

که به طور ارادی و آگاهانه است. این همان خصیصه ایست که انسان را از سایر موجودات ممتاز می سازد. لازم به توضیح است که وجود عنصری و مادی انسان به منزله ظرف و کرسی و مرکب روح است. رابطه روح و جسم همانند دو روی یک سکه هستند برخی از اعضاء و جوارح کاملاً در تسخیر و اراده و اختیار روح آدمی قرار دارند. انسان بعد از آنکه پی به وجود خداوند و سایر امور غیبی می برد، شجره ایمان و اعتقاد. کم کم ریشه های خود را در اعماق روح و جان آدمی رشد می دهد و نفوذ می کند. و سر منشاء بروز و ظهور بسیاری از اعمال صالحه می گردد. رابطه ایمان و اعمال صالحه نیز همچون رابطه جسم و روح است. یعنی هر دو مکمل یکدیگرند و در یکدیگر تأثیر و تأثر دارند.

و همان گونه که اعتقاد راستین، ثمره پاکی به نام اعمال صالحه به بار می آورد، اعمال صالحه نیز به نوبه خود سبب تقویت ایمان می گردد. در عین حال بایستی اذعان نمود. که رتبه ایمان مقدم بر اعمال صالحه است و فی الواقع این ایمان است که پایه و اساس اعمال صالحه را تشکیل می دهد و سر منشاء بروز بسیاری از اعمال خداپسندانه می گردد روح و روان آدمی پس از حصول آگاهی نسبت به حقایق جهان ماوراء طبیعت، و به تبع آن، پیدایش ایمان و اعتقاد به آن حقایق، با اشرافی که بر بعضی از اعضاء و جوارح دارد، آن ها را در برابر خالق وادار به انجام فرائض عبادی و دیگر اعمال صالحه می نماید. این همان تسبیح و تنزیه آگاهانه است که توسط انسان انجام میگیرد و بدان ممتاز می گردد. آنچه مایه شگفتی است و قرآن کریم بدان تصریح دارد این است که از ایمان و اعمال صالحه بندگان، آنچه به سوی خدا و عالم ملکوت صعود می کند ایمان است نه عمل! خداوند می فرماید: «إِلَيْهِ يَصْعَدُ الْكَلِمُ الطَّيِّبُ وَالْعَمَلُ الصَّالِحُ يَرْفَعُهُ»^۱. بنابراین این

۱. اعتقاد پاک و راستین به سوی او صعود می کند و عمل نیکو مایه رفعت ایمان و اعتقاد است. فاطر / ۱۰



آنچه در پیشگاه خداوند عزوجل اهمیت دارد ایمان و اعتقاد راستین است. و اینکه انجام اعمال صالحه را در بسیاری آیات به کرات و مراتب (به دنبال ایمان) توصیه کرده است به خاطر این است که اعمال صالحه وسیله و نردبانی باشند. تا انسان بدان وسیله، ایمان خود را به سوی آسمانها صعود دهد. وجود ایمان و فقدان آن در حیات بشر چنان حائز اهمیت است که خدای رحمان از مؤمنین (دارندگان ایمان) به «أحیاء» و از کافران «اموات» یاد کرده است. می فرماید: «كَيْفَ نَكْفُرُونَ بِاللَّهِ وَكُنْتُمْ أَمْوَاتًا فَأَحْيَاكُمْ»^۱.

نیز می فرماید: «أَوْ مَنْ كَانَ مَيِّتًا فَأَحْيَيْنَاهُ وَجَعَلْنَا لَهُ نُورًا يَمْشِي بِهِ فِي النَّاسِ كَمَنْ مَثَلُهُ فِي الظُّلُمَاتِ

ليس بخارج منها»^۲.

کتر مسئله‌ای در قرآن کریم به این اندازه مورد توجه قرار گرفته است. واژه ایمان و مشتقات آن قریب به هزار بار، و واژه کفر و مشتقات آن بیش از پانصد و پنجاه بار در قرآن کریم استعمال شده است که این امر، پرده از اهمیت موضوع بر می دارد. بشر موجودی است دارای خلود و جاودانگی و با مرگ زندگی او خاتمه نمی یابد و فنا نمی پذیرد. مرگ همچون پلی است که او را به سوی یک زندگی بی پایان و جاودانه انتقال می دهد. در دنیا و عقبی هیچ عنصری به اندازه وجود و فقدان ایمان، در سعادت و شقاوت آدمی تأثیر ندارد. انقلاب اسلامی ایران نیز نمایش ایمان بود. پیروزی این انقلاب که ثمره گرانقدر تلاش‌های مردم شریف ایران به رهبری رادمرد بزرگ تاریخ فقاہت و سیاست روح بزرگ خدا حضرت امام خمینی علیه السلام و جانفشانی‌های کبوتران سبک بال آسمان بندگی بود سرآغاز امیدبخش بازگشت به اجرای حدود و قوانین و دستورات الهی به شمار می رفت «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِهَذَا وَمَا كُنَّا لِنَهْتَدِيَ لَوْلَا أَنْ هَدَانَا اللَّهُ»^۳ تزلزل ناپذیری ستون‌های اعتقادی و باورهای دینی مسلمانان که کامیابی و

۱. چگونه به خدا کفر می‌ورزید، حال آنکه مردگانی بودید که شما را «به سبب ایمان» زنده کرد» بقره/ ۲۸.

۲. الانعام/ ۱۲۲.

۳. اعراف/ ۴۳ «حمد و سپاس از آن خدائی است که ما را هدایت کرد و اگر ما را او هدایت نمی‌کرد هرگز هدایت نمی‌شدیم».

